

تندروهای ایران نمی‌توانند شرایط کنونی جهان را درک کنند

تندروهای آمریکایی از سخنان تند مقامات ایرانی بهره‌برداری می‌کنند

گفتگوی صدای آلمان با دکتر ابراهیم یزدی

۱۳۸۵/۱/۲۱

آیا واقعا آنگونه که سیمور هرش خبرنگار سرشناس آمریکایی در گزارش خود برای نشریه «نیویورکر» فاش ساخته، دولت آمریکا در حال بررسی جدی حمله نظامی به ایران است؟ اگر این گزینه در دستور کار آمریکا قرار داشته باشد، آیا ضعفهایی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران وجود دارد که بتواند مستمسکی جدی به نومحافظه‌کاران ایالات متحده، جهت حمله نظامی به ایران را بدهد؟ در همین زمینه، دکتر ابراهیم یزدی وزیر خارجه دولت موقت مهندس مهدی بازرگان، به پرسشهای صدای آلمان پاسخ داده است.

مصاحبه‌گر: بهنام باوندپور

دوچپه‌وله: دکتر یزدی، همانطور که اطلاع دارید، سیمورهرش، خبرنگار معروف آمریکایی برای نشریه «نیویورکر» گزارشی را تهیه کرده و در آن از احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران خبر داده است، و از اینکه هدف اصلی دولت آمریکا تغییر رژیم هست و این معنایی ندارد، مگر جنگ! شما تا چه حد حمله نظامی از سوی آمریکا را محتمل می‌دانید؟

ابراهیم یزدی: مقامات مختلف آمریکا در رابطه با برخورد با ایران بکرات به سه راهکار اشاره کرده‌اند: راهکار سیاسی-دیپلماتیک، راهکار اقتصادی و راهکار نظامی. راهکار سیاسی-دیپلماتیک همین فشارهاست که بصورت‌های مختلف دارند انجام می‌دهند. راهکار دوم که اقتصادی باشد قابل پیش بینی‌ست که اگر ایران نتواند با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای به توافقی برسد، گزارش برمی‌گردد به سازمان ملل و همه پیش‌بینی‌ها این است که قطعنامه‌ای با درجات متفاوت از محاصره اقتصادی برای ایران همراه خواهد بود و سپس، در صورت لزوم استفاده از ابزارهای نظامی، عملیات محدود برای اجرای قطعنامه سازمان ملل. بدون شک حمله نظامی آمریکا به ایران در ابعاد و شکلی که در عراق اتفاق افتاد برای دوبار یا در افغانستان در ایران چنین چیزی امکان ندارد. من تصور نمی‌کنم که آمریکایی‌ها هم برنامه‌ای که می‌گویند در این سطح باشد. بمباران برخی از مراکز از ویژه ممکن است مورد نظر آنها باشد، اما نه یک عملیات نظامی گسترده نظیر عراق. هنوز چیزی که قطعی باشد که آیا آمریکایی‌ها دنبال تغییر در ساختار هستند یا در رفتارها دیده نمی‌شود، اما آنچه مسلم است این است که اگر برنامه استراتژیک آمریکا را برای ایجاد یک خاورمیانه‌ی بزرگ با ویژگی‌هایی که ذکر کرده و می‌کنند در نظر بگیریم، آمریکایی‌ها قطعاً دنبال این هستند کشورهای که در منطقه ساز ناهماهنگ می‌نوازند به هر قیمت آنان را هماهنگ کنند. در این مسیر عراق یکی از آن کشورها بوده که امروز به این وضعیت کنونی درآمده است. مشکل صلح خاورمیانه وجود دارد. اما هیچ برنامه‌ای در منطقه خاورمیانه امکان ندارد موفق بشود، مگر ایران در آن مشارکت بکند. خواه این هدفی که آمریکایی‌ها دارند با تغییر در ساختارها یا تغییر در رفتارها حاصل شود، به نظر من برای آمریکا فرقی نمی‌کند. مهم این است که آمریکایی‌ها می‌خواهند رفتارها تغییر پیدا کند و ایران در این برنامه‌های مشترک خاورمیانه بتواند شرکت بکند. حالا اگر با تغییر این رفتارها نشد، به نظر من آنها منتظر نمی‌مانند و برنامه‌های تغییر در ساختار را هم خواهند داشت. اما آیا موفق می‌شوند یا نه، محل تردید و شک است.

دوچپه‌وله: دکتر یزدی، آیا فکر می‌کنید با توجه به سیاست‌های دولت بوش و از سوی دیگر سیاست‌های تغییرناپذیر و عمومی جمهوری اسلامی ایران، این ادعای سیمور هرش درست باشد که دولت آمریکا تغییر رژیم در ایران را تنها راه حل مناقشه اتمی، طبعاً براساس منافع خودش، می‌داند؟

ابراهیم یزدی: من اعتقاد ندارم که آمریکایی‌ها واقعا نگران این هستند که ایران به بمب اتم دست پیدا بکند. واقعیت قضیه این است که اگر حتی ایران بمب اتم هم در دست داشته باشد، دلیلی ندارد که خطری برای منطقه محسوب بشود. اگر ما در منطقه خاورمیانه دقت بکنیم، اسرائیل یکی از بزرگترین انبارهای سلاح‌های هسته‌ای را دارد، پنهان هم نمی‌کند، عضو ان.پی.تی هم نیست و هیچیک از قطعنامه‌های سازمان ملل را در مورد حل مسایل فلسطین نپذیرفته است. اما دولت اسرائیل در طی ۵۰ سال گذشته علی‌رغم ۳-۴ جنگ بزرگی که همراه داشت، هیچگاه نتوانست از آن سلاح‌ها استفاده بکند و شکست ارتش‌های عربی از اسرائیل برای این نبود که اسرائیل مجهز به سلاح‌های هسته‌ای است. بنابراین، این نگرانی که اگر ایران بمب اتم داشته باشد نقشه جغرافیا عوض می‌شود و خطر بزرگی هست، اینها در واقع یک نوع بزرگ‌نمایی است برای مصرف افکار عمومی در خود آمریکا با بزرگ کردن این خطر، تا مجوزی پیدا بکنند برای هر نوع کاری علیه ایران...

دوچپه‌وله: یعنی به نظر شما دکتر یزدی، آمریکا واقعا تهدید اسرائیل توسط ایران را جدی نمی‌گیرد؟

ابراهیم یزدی: نه، به نظر من. برای اینکه آمریکایی‌ها خیلی بهتر از همه می‌دانند. از این تهدیدها بمراتب سخت‌تر را جمال عبدالناصر داشت. در اوایل جون ۶۷، وقتی که اعلام شد اسرائیل می‌خواهد به سوریه حمله کند، ناصر در یک نطق معروفی در حضور میلیون‌ها مصری گفت، اگر اسرائیل می‌خواهد به سوریه یا ما حمله کند خوش آمد. ما عرب‌ها این دو میلیون یهودی را می‌ریزیم توی دریا. بنابراین، آنچه ناصر می‌گفت بمراتب شدیدتر از این است که آقای احمدی‌نژاد گفته است.

دوچپه‌وله: ولی دکتر یزدی، بالاخره جنگ درگرفت!

ابراهیم یزدی: بله! جنگ درگرفت، اما محبوبیت ناصر در کشورهای عربی، بقول خودشان من‌المحیط الی‌الخلیج، از اقیانوس اطلس تا خلیج فارس، بمراتب شدیدتر و قویتر و گسترده‌تر از نفوذ ایران در منطقه بود.

دوچپه‌وله: یعنی به نظر شما ایران صاحب بمب اتمی، نمی‌تواند موازنه قدرت در منطقه را تغییر بدهد و به این اعتبار در مسئله فلسطین و اسرائیل تأثیراتی داشته باشد، بخصوص بعد از روی کار آمدن دولت حماس؟

ابراهیم یزدی: نه، من چنین اعتقادی ندارم. من معتقدم حتی اگر ناصر هم بمب اتم داشت، مثل اسرائیل نمی‌توانست استفاده بکند و همچنان در یک جنگ کلاسیک از اسرائیل شکست می‌خورد. برای اینکه شکست و پیروزی در این جنگ‌ها تابع عوامل دیگری است که آن ضعف درونی ارتش‌های عربی و ضعف جامعه عرب بود که منجر به آنجا شد. داشتن یا نداشتن سلاح هسته‌ای در این مرحله تأثیری ندارد. حماس و فلسطینی‌ها امروز به این جمع‌بندی نهایی رسیده‌اند که بیش از هر زمان تشکیل یک دولت مستقل فلسطینی به واقعیت نزدیکتر است و راه وصول آن هم از طریق عملیات نظامی نیست، بلکه از طریق فعالیت‌های دیپلماتیک است. چرا! برای اینکه در صحنه جهانی اتفاق نظر وجود دارد که اسرائیل باید از سرزمین‌های اشغالی جنگ ۶۷ خارج بشود، تخلیه بکند و آنجا یک دولت فلسطینی تشکیل بشود. و این را هم، فلسطینی‌ها بدرستی درک کرده‌اند و در یک هم‌کنشی‌های دیپلماتیک می‌خواهند از این فرصت استفاده کنند، حتی حماس هم این را قبول کرده است. بنابراین، من باور ندارم که چنانچه ایران بمب اتم داشته باشد، معادلات را برهم می‌زند. این

حرفه‌ای است که آمریکایی‌ها دارند می‌زنند. از سیستم زبان‌شناسی معکوس استفاده می‌کنند، متدی که در روانشناسی بنام «روانشناسی وارونه» شناخته شده است. ولی اصل مطلب چیز دیگری است. ایران اگر بمب اتم هم داشته باشد، نظیر پاکستان، ولی هماهنگ با برنامه‌های کلان و راهبردی آمریکا در خاورمیانه بخواهد عمل بکند، هیچ مسئله‌ای نخواهد بود. مهم این است که آمریکا نمی‌تواند برنامه‌های راهبردی خودش را در منطقه خاورمیانه پیش ببرد، بدون اینکه کشوری با موقعیت استراتژیک نظیر ایران در آن برنامه‌ها همراهی بکند. مشکل اساسی اینجاست.

دوچپه‌وله: دکتر یزدی، برگردیم به موضوع بحث احتمال حمله نظامی آمریکا به ایران. آیا شما ضعیفی در سیاستهای حکومت ایران می‌بینید که بتواند بهانه‌ای جدی به تندروهای آمریکایی بدهد برای حمله نظامی به ایران؟

ابراهیم یزدی: بله. ببینید، تندروهای ایران نمی‌توانند شرایط کنونی جهان را درک کنند. مثلاً وقتی که آقای احمدی‌نژاد می‌گوید که ما می‌خواهیم اسراییل را از روی زمین برداریم و محو بکنیم، به او ایراد می‌گیرند و بعد در پاسخ می‌گویند خوب این همان حرفی است که آقای خمینی زد. اما آقای خمینی این را زمانی گفت که جنگ سرد بود، عراق و سوریه دو متحد نظامی شوروی در منطقه بودند، ارتش شوروی در افغانستان بود، مجاهدین افغانی می‌جنگیدند و ایران هم در کنار آمریکا به مجاهدین افغانی کمک می‌کرد. بنابراین وقتی آقای خمینی این حرف را زد خیلی در دنیا انعکاس منفی گسترده پیدا نکرد، برای اینکه در جهت منافع غرب نبود که نسبت به این مسئله واکنش نشان بدهند. اما، امروز، جنگ سرد تمام شده است و بنابراین، حرف آقای احمدی‌نژاد فاقد زمینه‌های لازم هست. آقای خمینی یک وقتی عین همین حرف را به آقای رجایی زد. آقای رجایی یک حرفی زده بود. آقای خمینی گفت، چرا این حرف را زدی. رجایی گفت، شما هم همین حرف را زدید. آقای خمینی گفت، بابا من یک طلبه هستم، تو رییس جمهور مسئول هستی و تو نباید این حرفها را بزنی. عرض من این است که مسئولین ایران این وضعیت و شرایط بین‌المللی و مناسبات کنونی را متوجه نیستند و سخنانی می‌گویند که این سخنان به ضرر سیاست‌های خارجی ایران تمام می‌شود. همانطوری که دیدیم صحبتی که آقای احمدی‌نژاد راجع به هولوکاست و راجع به اسراییل کرد، بشدت مورد بهره‌برداری محافظه‌کاران جدید در آمریکا و لابی‌های صهیونیست در کشورهای مختلف قرار گرفت. تندروهای آمریکایی از سخنان تندى که مقامات ایرانی می‌کنند، بهره‌برداری می‌کنند.